

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادامه‌ی مبحث نماز

قیام

در بحث مُقارِنات نماز بودیم. اشاره کردیم که نماز مقدمات، مُقارِنات و تعقیباتی دارد. از مُقارِنات نماز، به بحث قیام رسیدیم و نکاتی را در این زمینه گفتیم. شاید اهمیت قیام از اینجا مشخص شود که با این که قیام یکی از چهار حالت نمازگزار است؛ یعنی قیام، قُعود، رُکوع و سُجود؛ به بیان دیگر، نمازگزار یا راست ایستاده است، که به آن قیام می‌گویند؛ یا کمر خم کرده است، که به آن رکوع می‌گویند؛ یا پیشانی بر خاک نهاده است، که به آن سجود می‌گویند؛ یا نشسته است، که به آن قُعود یا جُلوس می‌گویند؛ با این که قیام یکی از چهار حالت نمازگزار است؛ اما واژه‌ی قیام، مساوی با خود نماز شده است. لذا وقتی که می‌گویند: قیام و صیام، مقصود از قیام، نماز؛ و مقصود از صیام، روزه است. قیام به قدری اهمّیت دارد که به کلّ نماز هم اطلاق شده است. یک قیام داریم در برابر رکوع، سجود و قعود، که یکی از چهار حالت نمازگزار است؛ اما یک قیام داریم در برابر صیام (روزه گرفتن) که به معنی کلّ نماز است.

اهل معرفت قیام را که حالت ایستادن در نماز است؛ هم به اعتبار خود حالت رو به قبله بر پا ایستادن نمازگزار؛ و هم به اعتبار اذکار و آیاتی که در حالت ایستاده به زبان جاری می‌کند؛ نماد و

اشاره‌ای به مرتبه‌ی توحید افعالی دانسته‌اند. اذکار قیام، در دو رکعت نخستین، سوره‌ی حَمْد و بعد از آن، سوره‌ی دیگر است؛ منتها أَفْضَلِ سُورَى که در نمازها، خصوصاً در نمازهای واجب می‌شود خواند، سوره‌ی اخلاص است. در نمازهای مستحب هم سوره‌ی توحید را ترک نکنید؛ یعنی سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را لَأَقْل در یکی از دو رکعت حتماً بخوانید. شاید یکی از علائم شیعه بودن هم همین است. سوره‌ی دیگری هم که خیلی روی آن تأکید شده است؛ سوره‌ی قدر است. در یکی از توقیعات امام عصر ارواحنا فداه، آن حضرت فرمودند: خواندن هر سوره‌ای در نماز، آثار و برکاتی دارد؛ اما سوره‌ی قدر مجموعه‌ی برکات همه‌ی سُورِ قرآن را دارد؛ لذا امام عصر ارواحنا فداه تأکید کردند که سوره‌ی قدر خوانده شود.^۱ سوره‌ی قدر، سوره‌ی ولایت^۲ و سوره‌ی اخلاص، سوره‌ی توحید است؛ بنابراین خیلی زیباست توحید و ولایت، هر دو در نماز یک دوست اهل بیت علیهم‌السلام، حضور پررنگ و شفاف‌ی داشته باشد. بهتر هم این است که در رکعت اول، سوره‌ی حمد و سوره‌ی قدر را بخواند؛ در رکعت دوم سوره‌ی حمد و سوره‌ی اخلاص (توحید) را بخواند. البته در نمازهای مستحبی، می‌توان سُورِ دیگری را هم به جای سوره‌ی قدر خواند؛ گر چه در نماز واجب هم می‌شود؛ اما وقتی چنین چیز برجسته‌ای وجود دارد، حیف است انسان از آن بهره نبرد. از امام هادی علیه‌السلام هم روایت داریم در تأکید بر این که سوره‌ی اخلاص و سوره‌ی قدر را حتماً در نمازهایتان بخوانید.^۳ رکعت سوم و چهارم، رکعاتی بود که بعد به اصل نماز اضافه شد؛ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افزودند؛ «فرضُ النَّبِیِّ» است و البته خدا بر آن صِحِّه گذاشت و آنها هم واجب شد. در رکعت سوم و چهارم، هم می‌شود سوره‌ی

۱. حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۶، ص ۷۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۶۸.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۶، ص ۷۸.

حمد را خواند و هم می‌شود تسبیحات اربعه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را گفت. پس هم به لحاظ حالت قائم ایستادنِ مصلی در حال قیام و هم به اعتبار مطالبی که نمازگزار در قالب سوره‌های حمد، توحید و قدر، و یا تسبیحات اربعه، در حال قیام به زبان جاری می‌کند؛ حالت قیام را نماد و اشاره‌ای به مرتبه‌ی توحید افعالی دانسته‌اند. چنان که حالت رکوع را حاکی از توحید صفاتی و حالت سجود حاکی از توحید ذاتی دانسته‌اند.

قیام عبد به قیومیت حقّ متعال متکی و تجلی قیومیت حضرت حق است؛ یا اشاره‌ای به قیومیت حقّ متعال است که برپا دارنده‌ی همه‌ی عالم وجود و همه کاره‌ی عالم است. هر فعلی که از هر فاعلی سر می‌زند، فی‌الواقع فعل خدای متعال است. بنابراین در حالت قیام، توحید افعالی ظاهر می‌شود.

در مراتب سلوک اِلَى اللَّهِ، وقتی سالک سیر خود را از عالم ناسوت، عالم طبیعت یا عالم مُلک شروع می‌کند؛ از طریق عبودیت و بندگی حق متعال، مرتبه به مرتبه عوالم را طی می‌کند و بالا می‌رود. ابتدا سقف عالم طبیعت شکافته می‌شود و سر از مَلْکوت در می‌آورد؛ بعد، از آنجا هم پرواز می‌کند و به عالم جَبْرُوت راه پیدا می‌کند؛ بعد از این مراتب هم به یک پرواز بلند دست پیدا می‌کند که سر از عالم لاهوت در می‌آورد و در عالم لاهوت مراتب توحید را طی می‌کند. حالت قیام برای نمازگزار، ورود او به مرتبه‌ی توحید افعالی، در عالم لاهوت است. لذا در آن حال، هیچ فعلی از جانب شخص نمازگزار سر نمی‌زند. فی‌الواقع این خود نمازگزار (مصلی) نیست که نماز می‌خواند؛

خود حقّ، مصلّی است.^۴ اگر نماز ذکر است که فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۵ خود حقّ، ذاکر است. بعد از تکبیره الإحرام، در حالت قیام، ذاکر و مذکور یکی‌اند؛ خود حقّ متعال به زبان این عبد، ذکر خود را می‌گوید؛ خود حقّ متعال در قالب وجود این عبد، بر خویشتن نماز می‌گذارد؛ خویشتن را تسبیح، تنزیه، تکبیر، تحلیل و تحمید می‌کند. بنابراین حالت قیام، حالتی است که فاعلیت همه‌ی مخلوقات، در فاعلیت حقّ متعال، مُستهلک می‌شود. در حالت قیام فاعلی غیر حق وجود ندارد.

به تعبیری، قیام که حالت ایستادن نمازگزار است، از نظر قوّت سه مرتبه دارد؛ یک‌وقت فرد قائم (ایستاده) است؛ یک‌وقت قوّام است؛ یک‌وقت قیّوم است. قرآن کریم به این سه مرتبه‌ی قائم، قوّام و قیّوم اشاره کرده است. مرتبه‌ی قیام: «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»^۶ یا «الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ؛ وَ تَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ»^۷ یا «وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»^۸ یا «وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ»^۹ یا «أَقِمِ الصَّلَاةَ»^{۱۰} یا «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^{۱۱} یا «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ هُوَ قائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»^{۱۲} این آیات برای مرتبه‌ی قائم است.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۴۲.

۵. سوره طه، آیه ۱۴.

۶. سوره مائده، آیه ۶.

۷. سوره شعراء، آیه‌های ۲۱۸ و ۲۱۹.

۸. سوره بقره، آیه ۲۳۸.

۹. سوره بقره، آیه ۱۷۷ و سوره توبه، آیه ۱۸.

۱۰. سوره توبه، آیه ۱۱۴، سوره اسراء، آیه ۷۸، سوره طه، آیه ۱۴، سوره عنکبوت، آیه ۴۵ و سوره لقمان، آیه ۱۷.

۱۱. سوره بقره، آیات ۴۳، ۸۳ و ۱۱۰، سوره نساء، آیه ۷۷، سوره انعام، آیه ۷۲، سوره اعراف آیه ۲۹، سوره یونس، آیه ۸۷، سوره نور، آیه ۵۶، سوره روم، آیه ۳۱، سوره شوری، آیه ۱۳، سوره الرّحمن، آیه ۹، سوره طلاق، آیه ۲ و سوره مزمل، آیه ۲۰.

۱۲. سوره آل عمران، آیه ۳۹.

قیام به یک معنا، قیام علیه چیزی است. کسی که قیام می‌کند؛ یعنی برای کارزار و مبارزه با دشمن برپا می‌خیزد. خود همین بر پا ایستادن و قیام کردن او، دل دشمن را خالی می‌کند و نشان‌دهنده‌ی به میدان مبارزه رفتن با دشمن است. قیام به معنای انجام یک کار نیز است. می‌گویند: این فرد برای فلان امر قیام کرد. در کارزار و مبارزه، قیام «علی» بود؛ در مبادرت و اقدام، قیام «ل» است؛ یعنی برای انجام کاری بلند شد و به راه افتاد.

یک معنای قیام هم استقامت داشتن در برابر سختی‌ها، دشواری‌ها و نامرادی‌ها و در برابر هر بلا، مصیبت، سختی و ناملایمی است. پس یک مرتبه «قیام» شد. ایستادن در نماز، قیام است به همه‌ی این معانی‌یی که اشاره کردیم. مرتبه‌ی دوم، مرتبه‌ی «قَوَّام» بودن است. این شدیدتر از قیام است. قیام برای کسی است که ایستاده است؛ قَوَّام برای کسی است که مردانه ایستاده است و در راه آن مقصد و هدف خود، یا در برابر دشمنان و یا مشکلات، ایستادگی می‌کند. قرآن فرمود: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»^{۱۳} در راه عدالت و استقرار عدالت، بسیار قیام‌کننده باشید؛ این برای مرتبه‌ی قَوَّام است.

مرتبه‌ی بالاتر «قَيُّوم» است که صفت حقّ متعال است؛ «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»^{۱۴} یا «عَنْتِ

^{۱۳}. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۵.

^{۱۴}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۵۵ و سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲.

هر سه‌ی این مراتب می‌تواند در حالت قیامِ نمازِ نمازگزار، محقق شود؛ یعنی محتوای قیام و ایستادن او در نماز، هر سه‌ی اینها باشد؛ یعنی برای خدا قیام کرده است. قرآن فرمود: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»^{۱۶} و «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ».^{۱۷} این «تَقُومُوا لِلَّهِ» یا «قُومُوا لِلَّهِ»؛ یعنی خالصانه برای خدا برپا بایستید؛ و ایستادن هم ایستادن مردانه‌ای باشد که در برابر هیچ چیز از پا نشینید. مرتبه‌ی قوام بودن، مرتبه‌ای است که شخص برای استقرار یک حقیقت، تلاش و مبارزه‌ی پیگیر می‌کند؛ چه برای استقرار عدالت؛ عدالت به معنای اَعَمَّ آن، که همه‌ی فضایل و کمالات انسانی را در بر می‌گیرد؛ و چه قیامی که نمازگزار در حال نماز، با هر چه ضدّ نماز است، می‌جنگد؛ با هر انگیزه‌ی غیر خدایی که ممکن است در نمازش وارد شود؛ با هر حواس‌پرتی و عدم حضور قلب؛ با هر وسوسه‌ی شیطانی، با هر سستی و کاهلی، با هر چیز که مزاحم و مخالف نماز است، مبارزه می‌کند. قوام است که با خطوراتی که به قلب و ذهن او وارد می‌شود، مبارزه‌ی پیگیر و آنها را دفع می‌کند.

مرتبه‌ی دیگر، قیوم است که این عبدِ نمازگزار، آینه‌ی خدا شده است؛ یعنی تجلّی‌گاه صفت قیومیت حقّ متعال شده است و از خودش هیچ نمانده است؛ فقط جلوه‌گاه خدای حَیِّ قیوم است.

^{۱۵}. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۱.

^{۱۶}. سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۶.

^{۱۷}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳۸.

نمازگزار اگر در قیام پایمردی و حق آن را ادا کند؛ ثمرات قیام به او می‌رسد. قرآن فرمود: «وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^{۱۸} اگر در طریقت استقامت داشته باشند، به آنها از آب گوارا خواهیم نوشانید. این آب گوارا، معارف بلند الهیّه و راه یافتن به حجت خداست. چون در جای دیگر قرآن داریم: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^{۱۹} بگوئید: اگر خدا آب شما را فرو ببرد و بخشکاند، چه کسی آب گوارا برای شما خواهد آورد؟! روایاتی که ذیل این آیه داریم، می‌گوید: این «مَاءٍ مَعِينٍ» وجود ولی عصر ارواحنّفاده است.^{۲۰} پس این «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»؛ یعنی راه به ولایت و امام عصر ارواحنّفاده پیدا کردن. همین طور قرآن فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»^{۲۱} کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و بر این سخن پایداری ورزیدند؛ فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند که نترسید و محزون نباشید و به بهشتی که بدان وعده داده شده‌اید، شادمان باشید. اینها مقداری از اسرار بحث قیام بود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^{۱۸}. سوره ی جن، آیه ی ۱۶.

^{۱۹}. سوره ی ملک، آیه ی ۳۰.

^{۲۰}. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

^{۲۱}. سوره ی فصلت، آیه ی ۳۰.

